

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مؤمنی:

سخت‌ترین نوع یتیمی دوری از امام‌زمان(عج)است

امام عسکری(ع) در بیان نורانی خود،سخت‌ترین نوع یتیمی را نه فقدان پدرومادر، بلکه جداماندن از امام‌زمان(عج)معرفی کرده‌اند. انسانی که دستش از امام کوتاه باشد، سرگردان می ماند و نور

هدایت ندارد. بسیاری از بزرگان دین بر ضرورت ارتباط دائم با امام عصر(عج)تأکید داشته‌اند،اگر ارتباط باحضرت برقرار شود، آرامش حقیقی در زندگی شکل می‌گیرد و مسئولان باید کاری کنند که فضای جامعه و حتی دیوارهای شهر مردم را به یاد امام عصر(عج) بیندازد. بارش باران و دفع بلا نیز به امضای آن حضرت محقق

ز هـ ر ه هـا شـم ی | در بغداد
پرهیا هو ی قرن چهارم هجری،
کودکی از خاندان اهل بیت(ع) چشم
به جهان گشود که روزی با علم،
اخلاق و معنویت خود، پرچم هدایت را برافراشت و
نسل ها را به سوی حقیقت رهنمون شد؛ سیدمرتضی
کسی که به «علم‌الهدی» شهرت یافت.

■ **تولد در خانواده‌ای اهل علم**

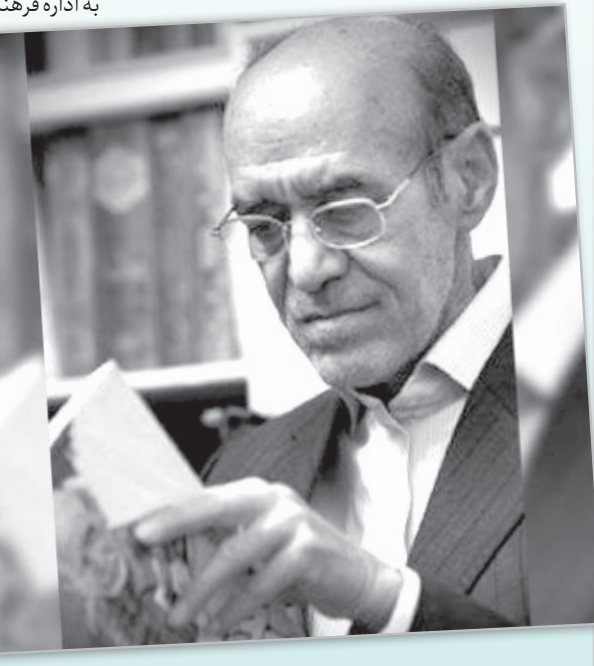
در سال ۳۵۵ هجری قمری، بغداد شاهد تولد علی بن حسین بن موسی از نوادگان امام موسی کاظم(ع) بود. بعدها تاریخ او را با لقب سیدمرتضی علم‌الهدی شناخت. خانواده‌اش، خاندان موسوی جایگاه ویژه‌ای میان شیعیان داشتند. پدرش «حسین بن موسی» از بزرگان و مورد احترام جامعه و برادر کوچک‌ترش سیدرضی، گردآورنده نهج‌البلاغه بود. دو برادری که در یک خانه رشد کردند، بعدها هر کدام ستونی از ستون‌های فرهنگ و اندیشه شیعه شدند.
از کودکی نشانه‌های هوش و نبوغ در چهره سیدمرتضی نمایان بود. او عطش سیری ناپذیری برای آموختن داشت. وقتی جوان شد، به محضر بزرگانی چون شیخ مفید رسید. شیخ مفید، استاد بی‌بدیل کلام و فقه، چنان بر ذهن و جان سیدمرتضی اثر گذاشت که بعدها او را جانشین خود در تدریس معارف شیعه کرد.

■ **مناظره‌ها و فعالیت‌های علمی**

در بغداد قرن چهارم، وقتی کسی نام «علم‌الهدی» را می‌شنید، بی‌اختیار به یاد مجالس مناظره می‌افتاد. شهری که هر گوشه‌اش محفلی علمی و مرکز مناظره‌ها و مجادلات فکری بود. معتزلیان عقل‌گرایی را ستایش می‌کردند، اشاعره بر نصوص پافشاری داشتند و زیدیان و فیلسوفان نیز دیدگاه‌های خود را ارائه می‌دادند. سیدمرتضی با ذهنی تیز و استدلالی محکم وارد این میدان شد.

او نه تنها در فقه و اصول، فقیه بزرگی شد، بلکه در کلام یعنی علم عقاید، نامش به عنوان مدافعی استوار از مکتب اهل بیت(ع) درخشید. کتاب‌هایش مثل «الانتصار» یا «الشفای فی الامامة» همچون سپری در برابر اعتراض‌ها و شبهه‌های مخالفان بود.
یکی از مشهورترین مناظرات او، پاسخ به قاضی عبدالجبار معتزلی بود؛ عالمی سرشناس که در امامت و عصمت پیامبران، ایرادهایی بر مکتب شیعه وارد کرده

الله ضمیری | در روز شعر و ادب فارسی، وقتی سخن از شعر آیینی به میان می‌آید، نام‌هایی در ذهن عاشقان اهل بیت(ع) می‌درخشند که عمرشان را وقف واژه‌هایی کرده‌اند که بوی ارادت می‌دهند. یکی از این چهره‌ها، محمدجواد غفورزاده است. شاعری که با تخلص «شفق» بیش از نیم‌قرن در سایه گنبد طلایی امام رضا(ع) زیسته و سروده است. شاعری که واژه‌ها را به خدمت عشق درآورده و با زبان فاخر و دل‌عاشق، شعر رضوی را به یکی از قله‌های ادب فارسی رسانده است. به بهانه این روز، نگاهی می‌اندازیم به زندگی، آثار و نقش بی‌بدیل او در اعتلای شعر آیینی و در کنار آن، از انجمن ادبی رضوی نیز خواهیم گفت، انجمنی که سال‌ها مأمّن شاعران ولایی بوده و امروز بیش از همیشه نیازمند نوسازی و توجه است.



می‌شود و بدترین یتیمی آن است که دست انسان از امام‌زمان(عج) کوتاه باشد. امام عسکری(ع) در نامه‌ای تاریخی به پدر شیخ صدوق (این بابویه قمی)، به صبر و انتظار فرج سفارش کرده و فرموده‌اند:
نر توباد صبر و انتظار فرج؛ چراکه پیامبر(ص) فرمود بهترین عمل امت من انتظار فرج است. همان گونه که حضرت موسی(ع) قوم خود را از

نداشتند، به سراغش می‌آمدند. سیدمرتضی نه تنها کتاب در اختیارشان می‌گذاشت، بلکه به آن‌ها کمک مالی می‌کرد تا دغدغه معاش نداشته باشند و بتوانند به تحصیل بپردازند. برای او علم و هدایت، ارزشمندتر از مال دنیا بود.

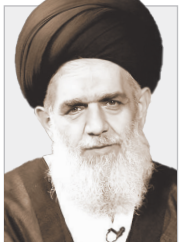
این عالم بزرگ در کنار بحث‌های علمی و مناظره‌های پرحرارت، وقتی شب می‌شد، ساعاتی طولانی در خلوت به راز و نیاز می‌پرداخت. این تضاد زیبا در شخصیتش بود: در روز، متکلمی استوار و استدلالی سختگیر؛ در شب، بنده‌ای خاشع و اشک‌ریزان در برابر پروردگار.

زهد و اخلاقش سبب شده بود حتی دشمنان فکری‌اش نیز زیان به ستایش او بگشایند. در میان مردم بغداد، او نه فقط به عنوان یک دانشمند، بلکه به‌عنوان پناهگاه فکری و معنوی شناخته می‌شد. اگر کسی درگیر شبهه یا مشکلی در عقیده‌اش می‌شد، به سیدمرتضی رجوع می‌کرد و از استدلال‌های روشنش آرامش می‌گرفت. این ترکیب علم، اخلاق و معنویت موجب شد لقب «علم‌الهدی» بر او نهاده شود؛ یعنی کسی که با علم خود، چراغ هدایت دیگران است.

یأس و ناامیدی بازداشت و به صبر و توکل فراخواند، مانیز باید ایمان به وعده الهی داشته باشیم، امروز دشمنان حتی اعتراف می‌کنند که ایران به دلیل باور عمیق به منجی، قدرت عبور از بحران را دارد. امروز باید همه ما سرباز امام‌زمان(عج) باشیم و یادعاری تجحیل در فرج حضرت، در مسیر تحقق وعده‌های الهی استقامت کنیم.

■ **وفات و میراث**

او عمری نسبتاً طولانی داشت و در سال‌های پایانی زندگی‌اش، به نوعی مرجع فکری همه شیعیان عراق و حتی سرزمین‌های دیگر بود. وقتی در سال ۴۳۶ هجری قمری چشم از جهان فروبست، بغداد چنان ماتم‌زده شد که گویی عزیز همه شهر از دست رفته است. تشییع باشکوهی برگزار و پیکرش به کاظمین منتقل شد. از آن روز، آرامگاهش در کنار امامان، خود زیارتگاهی برای دوستداران علم و حقیقت شد. سیدمرتضی علم‌الهدی، عالمی که علم، اخلاق و معنویت را در هم آمیخت، نشان داد دانایی وقتی با ایمان همراه شود، چراغ راهی است که حتی قرن‌ها پس از رحلتش نیز می‌تواند مسیر انسان‌ها را روشن کند. وفاتش، پایانی بود بر زندگی پرثمر عالمی که دنیا را با همه شکوهش کوچک می‌دید و حقیقت را در بندگی خدا می‌جست. نامش هنوز در میان علما و کتاب‌ها زنده است؛ اما بیش از آن، در دل‌هایی که تشنه دانایی و هدایت‌اند.



WWW.QUDSONLINE.IR

پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۷ | ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵ | سال سی و هشتم | شماره ۱۰۷۴۴

روایتی از زندگی سیدمرتضی علم‌الهدی؛ فقیهی از خاندان اهل بیت(ع)

پرچمدار تشیع در بغداد

روایتی از زندگی و آثار محمدجواد غفورزاده (شفق) و نقش انجمن ادبی رضوی در اعتلای شعر آیینی

ارادت در قاب شعر

■ **چلچراغ صلوات تا آیه ۸۸**

شعر رضوی در آثار شفق، جلوه‌ای از ارادت و راهی است میان ادب فارسی و فرهنگ ولایی. این شعر با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی و روایی توانسته ادبیات فارسی را به سمت معناهای بلندتر سوق دهد و در عین حال، جلوه‌ای نو از عشق و معرفت را به شعر فارسی بیفزاید. شفق با الهام از قرآن و احادیث، شعر را به بستری برای انتقال معارف والای دینی بدل کرده است. شعر او آینه‌ای است که در آن، چهره تابناک اهل بیت(ع) و آرمان‌های ناب شیعه جلوه‌گر می‌شود. نزدیک به ۵۰۰ سال است که شفق با ذره‌ذره عشق و ارادت، تمام آنچه از دنیای شاعری آموخته، وقف شعر آیینی کرده است. آثارش چون «چلچراغ صلوات»، «رستاخیز لاله‌ها»، «از کعبه تا محراب»، «کتیبه خورشید»، «یاس یاسین»، «سلام بر حسین(ع)» و «پنجره فولاد» گواهی است بر این مسیر عاشقانه. اما نقطه اوج این مسیر، خادمی در آستان مقدس امام رضا(ع) بود. شفق که دبیری انجمن ادبی رضوی را نیز بر عهده داشت و به عنوان دبیر شورای شعر انجمن کتاب ارزشمند در شعر رضوی خلق کرد؛ «آیه ۸۸» و «چشمه گوهر»، اولی، برگرفته از آیه‌ای در سوره یوسف، شرح حال هر زائر دلشکسته‌ای است که به درگاه امام رثوف(ع) پناه آورده است. مضمونی که با حسن تقران عدد هشت و آیه ۸۸، به قلب شفق خطور کرد: «یا ایّها العزیز مَسْنَاً وَاهْلُنَا الصَّر»؛ ای عزیز، به ما خانواده‌مان آسیب رسیده است. دومی، منظومه‌ای از ۴۰ حدیث گهربار امام رضا(ع) بوده که با زبان شعر به آستان منور رضوی تقدیم شده است. این آثار، جلوه‌ای از عشق و سندی از پیوند شعر و معرفت‌اند. نمونه‌ای از اشعار او چنین است:

ای که به این شکسته‌دل فرصت آه داده‌ای

ای که مرا به این حرم خوانده و راه داده‌ای

اگرچه در جوار خود مرا پناه داده‌ای

بخوان مرا به دیدن روضه کربلا، رضا

را با وقار و شکوهی درخرو شأن اهل بیت(ع) بیاراید. زبان شفق، زبانی ساده اما فاخر است، زبانی که هم در مخاطب عام را می‌رباید و هم تحسین اهل ادب را برمی‌انگیزد. او در آثارش ادب کلام را حفظ کرده و در سرودن برای اهل بیت(ع) همواره به مستندات روایی وفادار مانده است. این ویژگی‌ها، شعر او را به تلفیقی از ارادت و ادبیات بدل کرده‌اند.

شفق علاوه بر آنکه شاعری تواناست، خادمی بی‌ادعا برای آستان مقدس رضوی نیز بوده است. او سال‌ها مسئولیت اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی را بر عهده داشت و به عنوان دبیر شورای شعر انجمن ادبی رضوی مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی سهم بسزایی در ترویج شعر آیینی و انقلابی ایفا کرد. او با گردآوری دفترهای شعر در موضوعات آیینی، خدمت ارزشمندی به شعر ولایی کرده و نامش را در کنار بزرگان این عرصه ثبت کرده است.

■ **انجمن ادبی رضوی، میراثی از گذشته**

در سال ۱۳۶۸ انجمن ادبی رضوی با همت شاعرانی چون محمدجواد غفورزاده (شفق)، سیدرضا مؤید، قاسم سروپها، سیدمحمد خسروژاد، محمد نیک، محمود اکبرزاده و هاشم شکوهی شکل گرفت. اندکی بعد، با توصیه رهبر معظم انقلاب، استاد احمد کمال‌پور به جمع اعضا پیوست و سرحلقه شاعران این انجمن شد. پس از درگذشت او، ذبیح‌الله صاحبکار و سپس گروهی از شاعران برجسته، هدایت انجمن را بر عهده گرفتند. انجمن ادبی رضوی از آغاز با هدف اشاعه شعر آیینی فعالیت کرد و تا امروز نیز به عنوان یکی از معدود انجمن‌های تخصصی در این حوزه شناخته می‌شود و نمی‌توان نقش این انجمن را در پرورش شعر رضوی نادیده گرفت. انجمنی که هنوز هم مأمّن شاعران ولایی است و می‌تواند با زنگری در ساختارها، دوباره به نقطه‌ای درخشان در ادبیات آیینی بدل شود.

■ **شاعری با زبان فاخر و دل عاشق**

در کوچه‌های قدیمی مشهد، جایی حوالی سال‌های پایانی دبستان، محمدجواد غفورزاده نخستین بار فهمید که واژه‌ها می‌توانند در ذهنش به شکلی آهنگین قطار شوند. آن روزها هنوز نمی‌دانست این بازی با کلمات قرار است او را به یکی از چهره‌های ماندگار شعر آیینی بدل کند. اما حس درونی‌اش به او می‌گفت شعر بهترین زبان برای بیان احساساتی است که در دلش خانه کرده‌اند. در دبیرستان فردوسی مشهد، نخستین شعرهایش که حالا دیگر محکم و اصولی سروده شده بودند، در روزنامه خراسان چاپ شد. آن روزها بازار شعر آیینی گرم بود و تشویق‌های پدر، علاقه‌اش را به شاعری دوچندان کرد. بعدها، وقتی به استخدام دادگستری درآمد، هنوز شعر در جانش زنده بود. پس از انقلاب، مسیر زندگی‌اش به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان کشیده شد، جایی که دغدغه‌های فرهنگی‌اش مجال بروز یافتند.

■ **خادمی آستان امام رضا(ع) افتخار کارنامه‌ای پرپار**

محمدجواد غفورزاده متولد ۱۳۲۴ در شهر مقدس مشهد از چهره‌های برجسته شعر آیینی و رضوی بوده که بیش از پنج دهه از عمر خود را وقف سرودن برای اهل بیت(ع) کرده است. او که بعدها با تخلص «شفق» در جامعه ادبی شناخته شد، از همان آغاز راه کوشید شعر آیینی را از لغزش به زبان کوچه‌بازاری دور نگه دارد و آن